



## زبان انتقال مفاهیم در رشته‌های الهیات به روز نیست

حجت‌الاسلام والمسلمین، قاسم کاکایی اظهار کرد: زبانی که برای انتقال دروس الهیات انتخاب شده، زبان روز نیست که مثلاً هندیبوی در مورد ملاصدرا نوشته شده باشد...

حجت‌الاسلام والمسلمین، قاسم کاکایی اظهار کرد: زبانی که برای انتقال دروس الهیات انتخاب شده، زبان روز نیست که مثلاً هندیبوی در مورد ملاصدرا نوشته شده باشد یا کتاب خوبی در مورد شیخ اشراق یا ابن سینا وارد بازار نشر شده باشد. بنابراین، تولیدات با زبان امروزی کم بوده است، اما در رشته‌های دیگر علوم انسانی می‌بینیم که ولو ترجمه هم شده باشد، باز هم مسائل دلچسبی برای مخاطبین دارد.

به گزارش ایکننا، نشست تخصصی «واکاوی عملکرد دانشکده‌های الهیات و معارف اسلامی؛ دانشکده‌های الهیات و چالش‌های پیش رو»، امروز ۲۲ آذرماه با سخنرانی قاسم درزی، اسدالله آذیر، زهره اخوان مقدم، علی شریفی، رمضان مهدوی و یاسر تک فلاح به صورت مجازی برگزار شد. در ادامه، متن صحبت‌های حجت‌الاسلام والمسلمین، قاسم کاکایی، عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز را می‌خوانید که با موضوع «بررسی عملکرد دانشکده‌های الهیات در مقایسه با سایر دانشکده‌های علوم انسانی» ایراد شده است؛

باید مشخص شود که جایگاه علوم انسانی به صورت کلی در دانشگاه نسبت به غیر علوم انسانی و نه علوم غیرانسانی چیست. بحث‌های زیادی در این زمینه شده است و اینکه چقدر این رشته‌ها مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و در جهات مختلف این بی‌مهری را می‌بینید که وجود دارد، یک مقدار مربوط به جنبه‌های روانشناختی قضیه است که علوم انسانی را به نسبت علوم دقیقه پایین رتبه می‌دانند و از این حیث اقبال به آن کم است. اگر در تاریخ جمهوری اسلامی، وزرای علوم را ببینید، اینطور بوده‌اند که شاید فقط یک نفر از آنها فارغ‌التحصیل علوم انسانی بوده است و بقیه از رشته‌های دیگر بوده‌اند. خاستگاه متفاوت حوزه و دانشگاه

اما مسئله دیگر، دانشکده‌های الهیات و جایگاه آن بین دانشکده‌های دیگر علوم انسانی است. رشته‌های مختلفی در علوم انسانی وجود دارد که از جمله می‌توان به جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و روانشناسی اشاره کرد، اما باید دید جایگاه و عملکرد دانشکده‌های الهیات در بین این رشته‌ها چیست. یک مسئله مهم این است که خاستگاه دانشگاه در ایران به صورت کلی از بیرون است و چیزی به نام دانشگاه مطرح شده که از دارالفنون آمده و بعد به دانشگاه تبدیل شده است و خاستگاهش یک جای دیگری بوده و همین رشته‌ها مانند مدیریت، اقتصاد، روانشناسی و ... نیز از همان خاستگاه آمده‌اند. لذا دانشگاه در ایران به این صورت تأسیس شده و با روش پژوهش، زبان خاص، شیوه و اهداف خاص جلو آمدند.

اما خاستگاه الهیات اعم از فلسفه اسلامی، علوم قرآنی، فقه و ... خود ایران و حوزه بوده است. یعنی الهیات و دانشکده‌های الهیات در میان سایر علوم انسانی مسئله‌ای به نام حوزه علمیه دارند. حتی زمانی که این دانشکده‌های الهیات، دانشکده معقول و منقول بود، کسانی که آمدند و این دانشکده را راه‌اندازی کردند، تقریباً همگی از حوزه برخاسته بودند و تا امروز نیز اسکلت بندی اصلی این دانشکده‌ها را کسانی تشکیل داده‌اند که از حوزه آمده‌اند و استادان موفق این رشته حوزوی بوده‌اند.

این مسئله یعنی رقیب یا رفیق بودن را باید مورد بررسی قرار داد و مشخص کرد که چقدر حائز اهمیت است. لذا الهیات نوپا است و حتی دانشکده‌های الهیات دانشگاه تهران نیز به نسبت رشته‌های دیگر نوپاتر است. بعد از انقلاب با این مواجه می‌شویم که گره خوردگی خاصی بین حوزه‌ها و نظام اسلامی پیدا می‌شود و رشته‌های الهیات نیز در دیدگاه دانشجویان، یک مقدار تحت تأثیر این مسئله قرار می‌گیرند. یکی از مسائلی که مطرح است، جاذبه رشته الهیات است. در حوزه علمیه کسانی مشغول می‌شوند که اهداف خاصی دارند که اعم از تبلیغ یا عشق و علاقه به معارف دینی است، اما دانشجویان در دانشگاه به مدرک و شغل نگاه می‌کنند و می‌بینیم شغلی که برای دانشجویان الهیات وجود داشته باشد، به نسبت کسانی که اقتصاد، مدیریت و ... می‌خوانند کمتر است.

نکته دیگر این است که زبان الهیاتی‌ها عربی است و متونی که در دسترس قرار دارد نیز عربی هستند، در حالی که در رشته‌های دیگر، زبان مورد توجهشان انگلیسی و فرانسوی است. روش‌ها و متدهای میدانی که در رشته‌هایی مانند

روانشناسی و ... وجود دارد، در الهیات کمتر مورد توجه است و کاربردی بودن آن نیز کمتر محقق می شود. محور هفته وحدت حوزه و دانشگاه می تواند الهیات باشد؛ یعنی اولین چیزی که به ذهن می آید، این است که ذهن به سمت دانشکده الهیات می رود یا اگر به سمت دانشکده های دیگر می رود، بحث اسلامی کردن علوم و دانشگاه ها است که بحثش مجال دیگری را می طلبد. لذا دانشکده های الهیات از دو طرف دانشگاه و حوزه امتیازاتی دارند و انتظاراتی نیز از این دو جناح وجود دارد که کار را برای آنها سخت تر می کند. زبان انتقال مفاهیم در رشته های الهیات به روز نیست

همچنین زبانی که برای انتقال این دروس انتخاب شده نیز زبان روز نیست که مثلاً هندیبوی در مورد ملاصدرا نوشته شده باشد یا کتاب خوبی در مورد شیخ اشراق و یا ابن سینا وارد بازار نشر شده باشد. بنابراین، تولیدات با زبان امروزی کم بوده است، اما در رشته های دیگر علوم انسانی می بینیم که ولو ترجمه هم شده باشد، باز هم مسائل خیلی دلچسبی برای مخاطبین دارد.

از طرفی کتاب درسی خوبی هم در رشته الهیات نداریم که بتواند مسائل قدیم را با زبان روز بیان کند. لذا مشکلاتی از این دوگانه بودن الهیات هست که هم به دانشگاه چسبیده و هم از حوزه ارتزاق می کند و البته ترکیبش نیز با رعایت کردن برخی از اصول می تواند خوب باشد. مثلاً دقت های متن خوانی که امثال سیدجلال الدین آشتیانی داشتند یا شیوه های پژوهشی که فرنگی ها مانند چیتیک از آنها استفاده می کردند، قابل توجه است و اگر اینها با یکدیگر ترکیب شوند، می توانیم یک ابن عربی خوبی در دنیا معرفی کنیم و در سایر رشته ها نیز اینطور است.

بنده در کلاس درس، وقتی اسم آخوند ملاحسین قلی همدانی را می آورم، همه یک نگرش منفی پیدا می کنند و می گویند آخوند که بوده، ملا هم بوده، حسین قلی هم که بوده، پس اصلاً نمی شود به حرفش اعتنا کرد، در حالی که اگر همین سخن ایشان را از زبان یک اسم خارجی بیان کنم، همه کنجکاو می شوند که ببینند می خواهم چه چیزی بگویم. بنابراین اینها با گوش دانشجو ناآشنا است و باید در این زمینه نیز کاری بکنیم و زبانی که قابل فهم باشد، استخدام کنیم، به ویژه در تدوین متون و ارائه مباحث باید چنین رویه ای را طی کرد.